

نوسازی رقابت سیاسی بر اساس مبانی و اصول بینش
توحیدی امام خمینی(ره) (ره)
علی کربلایی پازوکی^۱، محمد سجادی فر^۲

تاریخ پذیرش: 1400/01/19

تاریخ دریافت: 1400/08/04

چکیده:

رقابت سیاسی که به جدال و بیکار رقابتی سیاسی جهت دستیابی به قدرت سیاسی گفته می‌شود، به جهت نقشی که در تقویت و کارآمدی و یا تزلزل و تضعیف نظام سیاسی دارد، همواره مورد بحث و بررسی صاحب نظران بوده.

هدف این پژوهش، دستیابی به پاسخ این مسئله است که «رقابت سیاسی، در اندیشه امام خمینی(ره) (ره) دارای چه ماهیت، مبانی و اصولی می باشد»، تا در پی آن، رقابت سیاسی تراز انقلاب اسلامی، ترسیم و مهندسی گردد.

روش: این تحقیق داده‌های خود را با استفاده از روش اسنادی-کتابخانه‌ای گردآوری نموده و با تمرکز بر محتوای کتب، سخنرانی‌ها، پیامها و دستورات و موضع گیری‌های سیاسی-اجتماعی امام خمینی(ره) (ره)، آن‌ها را مورد توصیف، تبیین و تحلیل قرار داده است.

یافته‌ها: بر اساس اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) (ره)، قدرت سیاسی ماهیتی رقابت پذیر دارد. یعنی هم در پیدایش و هم در ساز و کار اعمال، از اراده و مشارکت آحاد جامعه پدید می‌آید و در حقوق اساسی که بر اساس اندیشه امام خمینی(ره) (ره) شکل گرفته، زیر ساخت‌های لازم و چارچوب‌های عملی برای یک رقابت سیاسی فراگیر، تعیین گردیده است.

نتیجه: امام خمینی(ره) (ره) با نفی هرگونه استبداد از قدرت سیاسی و پذیرش نقش تعیین کننده برای مردم، رقابت سیاسی را تکلیف محور و در جهت منافع و مصالح جامعه تعریف نموده و آن را به مثابه یک عبادت فراگیر دینی و شرعی و استباق در خیرات برای شایستگان سیاست تبیین کرده اند.

واژگان اصلی: امام خمینی(ره) (ره)، رقابت سیاسی، قدرت رقابت پذیر، زیرساخت‌های رقابت، اصول عملی

رقابت

طرح مسئله:

قوام و پایداری حکومت‌ها و نیز تزلزل و سستی آن‌ها، ارتباط تنگاتنگ با اتقان و استحکام بنیانهای نظری آن دارد. از این رو اندیشمندان تلاش می‌کنند تا با تبیین منطقی، این مبانی را موجه کنند. زیرا در صورت فرو ریختن باورهای معرفتی و نظری در افکار جامعه، علاوه بر پائین آمدن کارآمدی نظام سیاسی، زمینه‌های معرفتی سقوط آن نیز فراهم می‌گردد. از طرفی جاذبه‌های «اسلام سیاسی» و توجه به بنه‌های معرفتی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) به عنوان عقبه تئوریک جمهوری اسلامی، پس از انقلاب (1357ش-1979م) ایران، باعث گردیده تا مطالعه پیرامون راهبردهای سیاسی آن، در داخل و خارج از کشور رو به فزونی نهد. چنانچه در بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی جهان، بخش‌هایی برای فهم دقیق از انقلاب اسلامی و عقاید رهبران آن، فعال کرده‌اند و جلوه‌های آن را می‌توان در رشد شمار پژوهشگران، مؤسسات پژوهشی، مقالات علمی و مراکز دانشگاهی، خصوصاً در آمریکای شمالی و اروپای غربی مشاهده کرد (ر.ک: عبدالمطلب، 1395، ص:6). این خود سبب می‌گردد تا از طرف آگاهان به مبانی انقلاب و اندیشه‌های سیاسی امام خمینی(ره)، همواره تلاش‌های نوینی مشتمل بر مسائل نوپدید منطبق با مبانی مذکور فراروی جویندگان آن قرار بگیرد تا هم از تحریف آن مبانی جلوگیری به عمل آید، هم با پاسخ به شبهات، به استحکام و کارآمدی نظام سیاسی منجر شود و هم نظام سیاسی تراز انقلاب اسلامی مورد تبیین و توصیف قرار بگیرد.

رقابت سیاسی^۱ که مفهومی پسا مدرنی و متعلق به حوزه لیبرال دموکراسی است، به عنوان مهمترین نوع و کنش فعال، هوشمندانه و هدفدار مشارکت سیاسی^۲ و مؤلفه تعیین کننده نوع اقتدار حاکمیت و شاخصه مهم توسعه سیاسی همواره اصلی ترین حوزه مناقشه مباحث نظری و راهبردی نظام‌های سیاسی می باشد؛ که در دو سطح پنهان و آشکار و بر سه الگوی رقابتی «رقابت بر نظام سیاسی^۳»، «رقابت برای نظام سیاسی^۴» و «رقابت در چارچوب نظام سیاسی^۵» رخ می دهد (خواجه

1 political competition

2 Participation political

3 Competition at...

4 Competition for...

5 Competition in...

سروی 1382، ص 47-55 و 72-73 و 113). رقابت سیاسی، به جهت قرابت مفهومی و عملی نزدیکی که با مشارکت سیاسی دارد تعریف و تمیز آن دو از هم با صعوبت مواجه است. البته ریشه این مشکل به پیچیدگی تعریف مشارکت سیاسی برمی گردد. (خواجه سروی، 1384 ش، 18-19؛ بشریه، 1384 ش، ص 375؛ و پای و دیگران، 1380 ش، ص 243-247). با این حال، به سبب برجستگی عنصر قدرت در رقابت سیاسی، آن را اینگونه تعریف کرده اند: «رقابت سیاسی، مراقبت و محافظت رقبا از همدیگر جهت دست یافتن به قدرت سیاسی و محافظت از آن می باشد که با افزایش توان خود و بستن راه های ورود و نفوذ رقیب به قدرت است، تا نگذارند رقیب قدرت را از دست آنها خارج نماید» (بهرز لک و... 1396، ص 11). رقابت سیاسی در شرایط مطلوب آثاری همچون «ارتقاء کارآمدی نظام»، «رشد نخبگان سیاسی»، «تقویت ثبات و پایداری اقتدار و امنیت ملی» و «افزایش سرمایه های اجتماعی نظام» را به دنبال می آورد. مضافاً اینکه یکی از کارکرد های پنهان نهاد سیاست، اثر گذاری بر فرهنگ عمومی و تربیت اجتماعی تفسیر شده است و علاوه بر تاثیر گذاری در حوزه سیاست، موجبات ارتقاء تربیت عمومی و توسعه بخشی ظرفیتهای و استعداد های افراد جامعه را نیز فراهم می کند.

از این رو برای تصحیح رفتارهای رقابتی و تحقق رقابت مطلوب در چارچوب «Competition in...»، لزوماً سه ساحت «رقابت پذیری قدرت»، «وجود زیرساختهای حقوقی و سازمانی برای کنترل و تضمین آن» و «چارچوب های عملی رقابت» باید وجود داشته باشد. چرا که ساحت های سه گانه، مقدمه وجودی رقابت محسوب می شوند و در عین حال که منطقاً تصور رقابت بدون آنها ممکن نمی باشد، هر کدام از ساحتها نیز خود، متوقف بر تصدیق ساحت پیشین می باشد. این انسجام طولی و مقدمی در پی این مسئله مطرح می گردند، که آیا در اندیشه امام خمینی (ره) اساساً قدرت رقابت پذیر است، یا اینکه دارای ماهیتی استبدادی و خودکامه می باشد؟ اگر قدرت رقابت پذیر است، آیا بسترها و زیرساختهای رقابت نیز برای آن تدارک دیده شده و تضمین گردیده است؟ نهایتاً پس از وجود قدرت رقابت پذیر و زیر ساختهای رقابتی، مسئله شیوه ی عمل و التزامات رفتاری و خطوط قرمز رقابت مطرح می گردد، که به چه شیوه ای جامه عمل بپوشد؟ از چه وسیله ای باید بهره گرفت؟ آیا هدف صرفاً کنار زدن رقبا می باشد یا اینکه هدف خاصی مد نظر است؟ و دیگر مسائلی که مجموعاً رقابت سیاسی را تبیین و توصیف می کنند.

پاسخ به این مسئله با این فرضیه شروع می شود که در اندیشه ی سیاسی اسلام و امام

خمینی(ره)(ره) هم قدرت رقابت پذیر است و هم داوطلبان قدرت سیاسی به عنوان «تکلیف شرعی» در آن شرکت می کنند و امام خمینی(ره)(ره) برای تحقق این امر، علاوه بر تعیین چهارچوب های قانونی در حقوق اساسی، اصول عملی نیز برای آن معرفی کرده است.

پیشینه پژوهشی: علاوه بر اینکه به جهت اهمیت و قرابت موضوع رقابت سیاسی، کلیه منابعی که به «مشارکت سیاسی»، «تکثر پذیری سیاسی»، «گردش قدرت»، «احزاب»، «انتخابات» و غیره پرداخته اند، مسئله رقابت سیاسی را نیز منعکس کرده اند؛ همچنین پژوهشهای محققانه ای نیز در خصوص «رقابت سیاسی» با رویکرد های مختلف منتشر گردیده، که هم به لحاظ مسئله، هم به لحاظ داده، پایش و تحلیل محتوا و نیز مدل های تحلیلی، متفاوت از هم می باشند. از باب نمونه: «درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی» افتخاری، اصغر(1381). تهران: نشر گلبان؛ «رقابت سیاسی و ثبات سیاسی» خواجه سروی، غلامرضا(1382). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ «رقابت‌ها و چالش‌های سیاسی در ایران امروز» کریمی مله، علی(1380). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ «دگرپذیری سیاسی و منافع ملی: جایگاه رقابت سیاسی در ایران» عطارزاده، مجتبی(1378). فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 4؛ «رویارویی اسلام و لیبرالیسم در روی آوری به دموکراسی» شجاعی زند، علی رضا(1394). فصلنامه راهبرد، سال بیست چهارم، شماره 72؛ «سبک زندگی، مشارکت و رقابت سیاسی با تأکید بر آیات و روایات» مظفری، آیت(1394). فصلنامه پژوهش های سیاست اسلامی، شماره 7؛ «شایسته سالاری در مدیریت جامعه با تأکید بر اندیشه‌های سیاسی امام علی (ع)» نصر اصفهانی، مهدی؛ نصر اصفهانی، علی(138). معرفت سیاسی، سال دوم، شماره 2 همچنین از جمله منابعی که به دیدگاه امام خمینی(ره)(ره) پرداخته اند: «تحلیل وفاق اجتماعی در اندیشه امام خمینی ره با تأکید بر الگوی تکثرگرایی حق‌مدار» کریمی والا، محمد رضا(1393). معرفت سیاسی، سال ششم، شماره 1؛ «رقابت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)(ره)» جعفرزاده، قاسم؛ فراتی، عبدالوهاب(1391). پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام-دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

اجمالاً آنچه در این پژوهش ها اتفاق افتاده تطبیق و همسان سازی برخی از دستورالعملهای اسلامی و یا دیدگاه های امام خمینی(ره)(ره) با رقابت سیاسی متعارف در علوم سیاسی می باشد. به بیان دیگر، به جای تبیین و توصیف رقابت سیاسی تراز اسلامی، برای کلیت و یا جنبه هایی از رقابت سیاسی مصطلح، با استخراج قرائن و شواهدی از درون مایه های معرفتی اسلامی، رقابت سیاسی مصطلح را

مورد تأیید و پذیرش قرار داده اند. از باب نمونه در پژوهشی که تحت عنوان: « رقابت سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره)» به قلم آقایان قاسم جعفرزاده و عبدالواهاب فراتی منتشر گردیده است، ابتدا به تعریف، توصیف، تبیین و بیان ساختارهای لازمه، الزامات، بایدها و نبایدها، مقدمات پیشین رقابت سیاسی مصطلح پرداخته شده است و پس از آن از آراء و دیدگاه های امام خمینی(ره) در تأیید آن بهره گرفته شده است. از این رو این اشکال متوجه همه پژوهش هایی است که رهیافتی به رقابت سیاسی در نگاه اسلام و یا اندیشمندان اسلامی، خصوصاً امام خمینی(ره) داشته اند، زیرا بصورت یکسانی با تلقی به قبول کردن اساس رقابت سیاسی با خوانش مدرن آن، پژوهشگران سعی کرده اند تا این نوع رقابت سیاسی را از دیدگاه اسلام و یا اندیشمندان اسلامی مشروع و مقبول جلوه دهند و مویذاتی نیز برای آن ذکر نمایند.

از این رو همچنان خلاء «ترسیم روشمند رقابت سیاسی در منظومه فکری امام خمینی(ره)» پاسخ نداده اند.

جنبه جدید بودن: توجه و تمرکز به استخراج و تبیین و توصیف ماهیت، مبانی و اصول رقابت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) مسئله پژوهش پیش رو را متمایز می کند. بعلاوه در این پژوهش با پرهیز از هرگونه گزینشی عمل کردن و جزئی نگری، کلیه منابع معتبر و داده های قابل استناد دخیل در فهم مسئله، مورد رصد، پیمایش و مراجعه قرار گرفته اند و علاوه بر اعتبار همه استانداردهای تحقیقاتی، از رویکرد «مذهبی-و حیانی» بهره گرفته شده. از طرفی چون حوزه های مختلف علوم اسلامی دارای ماهیتی توحیدی می باشند؛ کلیه کنش ها و رفتارهای اسلامی همسو و ماهیتی مشترک دارند. چنانچه اخلاق اسلام و دستورات دینی با سیاست اسلامی، تباینی ندارند و جدای از هم نیستند، مضافاً اینکه عینیت با هم نیز دارند. از این رو برخلاف برخی مکاتب که اخلاقیات و دستورات دینی را تنها توصیه های مطلوبی می پندارند که کیفیت رفتار و کنشها را مطلوب تر می کنند؛ در اندیشه اسلامی اگر دستورات اخلاقی و دینی در رقابت سیاسی لحاظ نگردند، اساساً «رقابت سیاسی اسلامی» تحقق نیافته است. به همین سبب فهم رقابت سیاسی در چارچوب نظام معرفتی و منظومه فکری امام خمینی(ره)، متمایز از هر مکتب و اندیشه دیگری می باشد.

مبانی، ساختار و چارچوبهای رقابت سیاسی.

1- رقابت پذیری قدرت و نظام سیاسی

در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) قدرت ذاتاً مقوله ای اعتباری است که جامعه بر اساس حق خدادادی، برای اداره امور خویش معتبر کرده است. این حق همگانی در پی نفی هرگونه سلطه به دست می آید. از این رو کلیه مراحل قدرت اسلامی، تا ترکیب با پذیرش مردم «انتخاب خلقی» پیدا نکند و مورد قبول و پذیرش مردم قرار نگیرد، هرگز به مرحله فعلیت در نخواهد آمد و مستقر نخواهد شد. (موسوی خلخالی، 1367، ص: 547؛ مصباح یزدی، 1379، ص: 69) بر همین اساس در قانون اساسی جمهوری اسلامی، با نفی هرگونه استبداد از قدرت سیاسی، حاکمان و متولیان قدرت سیاسی را علاوه بر تعیین صفات و شرایط مشخص، و الزام آنها به أخذ اعتماد از مردم به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم، محدودیت زمانی نیز برای آنها در نظر گرفته شده است. همچنین اصل یکصد و هفتم ق.ا.ج.ا، حاکم را در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی دانسته و محدود به رعایت شرائط و صفات ویژه ای کرده است. چه محدودیتی از این بالاتر که اگر شرائط خود را حتی یک روز پس از تصدی قدرت، از دست بدهد، از مقام خود ساقط خواهد شد و نیازی به گذشتن چهار سال، یا هفت سال و یا مدت بیشتر و یا کمتر نیست. از این حیث، نه تنها همه ارگانهای قدرت مقتضی رقابت هستند، بلکه قدرت نه در انحصار کسی قرار خواهد گرفت و نه تصدی آن دائمی خواهد بود. چرا که پس از انقضای شرط و یا مدت آن، تصدی حاکمان بر قدرت منقضی و از قدرت کناره گیری و زمینه برای ورود دیگران مهیا می گردد. (ر.ک: مطهری، بی تا، ص: 63-66؛ مصباح یزدی، 1380، ج 1، ص: 293؛ مظاهری، 1378، ص: 74) البته این رویکرد امام خمینی(ره) به قدرت سیاسی، یک مساله جدیدی نمی باشد بلکه اساساً از دیرباز از جنبه تئوریکی در جامعه اسلامی و در اندیشه سیاسی شیعه مطرح بوده و همواره شیعه بر عدالت و تقوای امام جامعه تأکید داشته است و هرگونه هوا و هوس را نافی تقوا و عدالت دانسته است. از این رو حکومت اسلامی عدالت محور با انحصار طلبی و استبداد در تضاد و تنافی است. چنانچه امام خمینی(ره) با تقسیم دوگانه از حاکم، به «حاکم اسلامی» و «حاکم مستبد»، به تبیین و ضدیت ماهیت قدرت سیاسی حاکم اسلامی با حاکم غیر اسلامی رأی داده است و بر همین بنیان، ولایت فقیه را ضد دیکتاتوری معرفی می کند. (امام خمینی(ره)، 1389، ج 4، ص: 326) از این جهت شارحان اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، با بهره گیری از تبیین ایشان در کتاب البیع، پیرامون شروط معتبر در حاکم

اسلامی¹، ولایت فقیه را به «ولایت فقاها و عدالت» تعبیر کرده اند و گفته اند: «آنچه در اسلام حکومت می کند، فقاها و عدالت است و به تعبیر دیگر حاکم و ولی مردم در اسلام، قانون الهی است، نه شخص خاص؛ زیرا شخص فقیه یک تافته ی جدا بافته از مردم نیست، بلکه او نیز همانند یکی از آحاد مردم، موظف به رعایت احکام و قوانین الهی است.» (جوادی آملی، 1390، ص: 257)

این مهندسی زیرساختی از قدرت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) (ره) ریشه در معارف قرآنی، روایات و سیره عملی معصومان علیهم السلام دارد، همانگونه که امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام فرمودند: «...وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَهْدًا إِلَىَّ عَهْدًا فَقَالَ: يَا ابْنَ أَبِيطَالِبٍ لَكَ وَلَاءٌ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي، فَإِنْ وَلَوْتُكَ فِي عَافِيَةٍ وَ اجْتَمَعُوا عَلَيْكَ بِالرِّضَا فَقُمْ بِأَمْرِهِمْ، وَإِنْ اخْتَلَفُوا عَلَيْكَ فَدَعَهُمْ وَ مَا هُمْ فِيهِ، فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ مَخْرَجًا» (طبری، 1414، ص: 474؛ محدث نوری، 1408، باب سقوط جهاد البغاة و المشرکین مع قلة الأعوان من المسلمین، ج 11، ص: 78) و همچنین فرمودند: «لَنَا حَقٌّ فَإِنْ أُعْطِينَاهُ وَ إِلَّا رَكِبْنَا أُعْجَازَ الْأَيْلِ وَ إِنْ طَالَ السُّرَى» (ابن ابی الحدید، 1404، ج 18، ص: 132) در هر دو این فرمایشات علی رغم اینکه امام علی علیه السلام ولایت را حق خویش برمی شمارند، اما تشکیل حکومت برای اعمال ولایت را نه بر اساس زور، تحمیل و قهر و غلبه بلکه آن را منوط به رضایت و مداخله مردم بر شمرده است و تا زمانی که مردم داوطلبانه و به اختیار خویش به جانب حضرت روی نیاورند، ایشان ولایت را نپذیرفتند. همین پایه و اساس است که در اصل چهلم ق.ا.ج.ا به عنوان محکمترین زیرساخت حقوق اساسی، آمده است که: هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر و یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد و نیز در اصل پنجاه و ششم آمده است که انسان بنابر حق الهی که خداوند به او داده است، حاکم بر سرنوشت سیاسی اجتماعی خویش است و هیچ کس هم حق سلب آن را ندارد. و نیز عطف بر همین مبنا است که امام خمینی (ره) در پاسخ به این سوال که در چه صورت فقیه جامع شرایط بر جامعه اسلامی ولایت

¹ ما يعتبر في الوالي: فنقول: إن الحكومة الإسلامية لما كانت حكومة قانونية، بل حكومة القانون الإلهي فقط، و إنما جعلت لأجل إجراء القانون، و بسط العدالة الإلهية بين الناس، لا بد في الوالي من صفتين، هما أساس الحكومة القانونية، و لا يعقل تحققها إلا بهما: إحداهما: العلم بالقانون. و ثانيتهما: العدالة... و هذا مع وضوحه - فإن الجاهل و الظالم و الفاسق، لا يعقل أن يجعلهم الله تعالى ولاة على المسلمين، و حكماً على مقدراتهم و على أموالهم و نفوسهم، مع شدة اهتمام الشارع الأقدس بذلك، و لا يعقل تحقق إجراء القانون بما هو حقه إلا بيد الوالي العالم العادل - دلت عليه الأدلة اللفظية... (امام خمینی، 1423، ج 2، ص 623)

دارد، می‌گویند: «ولایت در جمیع صور دارد. لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین، که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است، و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین.» (امام خمینی(ره)، 1389، ج 20، ص 459).

با این بیانات معلوم می‌گردد که امام خمینی(ره) حکومت اسلامی را در تأسیس، تشکیل و ادامه و استمرار آن، وابسته به دخالت مسلمانان می‌داند. بنابر این قدرت سیاسی به عنوان ضلع نخست رقابت سیاسی در منظومه فکری امام خمینی(ره) اساساً با استبداد و دیکتاتوری و انحصارگرایی تباین کلی دارد و هرچند برای تصدی هر بخشی، شرائط و ضوابطی در نظر گرفته شده، اما ورود به قدرت اختصاص به فرد و یا گروهی ندارد و همه می‌توانند با داشتن صلاحیت‌ها و شایستگی‌های لازم برای ورود با آن اقدام و یا به رقابت بپردازند.

2- زیر ساختهای رقابت

هرچند قدرت ماهیتاً شأنت رقابت داشته باشد و به اصطلاح رقابت پذیر باشد و هر نوع استبداد و خودکامگی در آن متغی باشد و داوطلبان قدرت بتوانند به آن ورد نمایند؛ اما اگر بسترهای رقابتی برای ایجاد رقابت در قدرت تدارک دیده نگردد، انسداد مسیر رقابت رقم خورده است و در عمل رقابتی رخ نمی‌دهد، زیرا در صورت فقدان زیرساخت رقابتی، مجال و فرصتی برای تحقق رقابت، پدیدار نمی‌گردد و چون تضمین‌های عملی برای رقابت صورت نگرفته و عملاً باب رقابت مسدود می‌گردد. از این رو وجود زیرساختهای رقابت سیاسی به عنوان ضلع دوم، موجب گشودن مسیر برای ورود داوطلبان به عرصه قدرت می‌گردد. برای تحقق این مهم زیرساخت‌های قدرت در دو قسمت حقوق اساسی و تدارکات نهادی و سازمانی مورد تعقیب می‌باشد.

الف: زیرساخت‌ها در حقوق اساسی

اهتمام و تلاش امام خمینی(ره) در نهادینه کردن تشکیلات رقابتی قدرت، سرانجام «سازوکارهای اجرایی کردن رقابت سیاسی» شکل قانونی به خود گرفت و سبب گردید تا اصول متعددی در متقن‌ترین حقوق اساسی در جمهوری اسلامی، یعنی قانون اساسی، به زیر ساختهای قانونی و حقوقی رقابت سیاسی اختصاص یابد. از باب نمونه در ق.ا.ج، در اصل اول، حکومت ایران را «جمهوری اسلامی» می‌داند. پر واضح است که اسلامیت و جمهوریت نظام به معنای نفی استبداد و خودکامگی است. اهمیت بالای این مسئله سبب شد که در اصل یکصد و هفتاد و هفت، جمهوری بودن حکومت و اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی، به عنوان اصلی تغییر ناپذیر در قانون اساسی

معرفی گردد. (قاسمی، 1388، ص:105). از این جهت رقابت سیاسی در ذات جمهوری اسلامی اندماج یافته و از اجزای ذاتی آن محسوب می شود. چنانکه اصول دیگر قانون اساسی مانند: بند جیم مورد ششم از اصل دوم و همچنین اصول سوم، ششم، هفتم، هشتم و نهم، این مسئله را استحکام بخشیده و راه حقوقی را برای رقابت سیاسی فراهم کرده اند و اصول دیگر مانند اصول شصت و سوم و یکصد و چهاردهم که دوره نمایندگی شوراهای محلی و استانی، مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری را محدود به چهار سال کرده است و یا اینکه در اصل یکصد و بیست و یکم، در سوگندنامه رئیس جمهور اینگونه ذکر شده است: «... قدرتی را که ملت به عنوان اماتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.» و اصول دیگر که همگی حاکی از وجود زیرساختهای حقوق اساسی رقابت در قدرت سیاسی جمهوری اسلامی می باشد. بدیهی است که اتکای به آراء، مسبوق به وجود زیرساختهای رقابتی و گزینشی است چنانکه در اصول متعدد حقوق اساسی بدانها اشاره رفت.

ب: زیرساخت ها در حوزه تشکیلاتی و سازمانی

تحقق اهداف و کارکرد رقابت سیاسی وقتی است که نهادهای تأثیر گذار در عرصه رقابت سیاسی به طور موفقیت آمیز تأسیس، نهادمند و تثبیت گردند. زیرساخت دیگری که برای رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی تحت رهبری سیاسی امام خمینی (ره) تدارک دیده شد، ایجاد نهادهای واسط، معین، راهنما، مشوق، ناظم و تضمین کننده ی اجرا و امنیت، رقابت سیاسی بود. نهادهایی چون شورای نگهبان قانون اساسی و وزارت کشور، هم در بخش نظارتی و هم در بخش اجرا با کمک نهادهای دیگر مثل نیروهای نظامی و انتظامی، رسانه های ملی و دولتی مانند صدا و سیما و نشریات دولتی، و جز آنها، متولی این مسئله مهم گردیدند. پذیرفتن تشکیل احزاب سیاسی و رسمیت بخشیدن به فعالیت آنها، تأمین امنیت و صدور مجوز برپائی راهپیمایی ها، جلسات سیاسی، مناظرات سیاسی، انتشار نشریات، بررسی صلاحیت ها، برگزاری انتخابات، اعطاء و تأمین آزادی های اساسی - آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی های مدنی و اجتماعی - مورد نیاز رقابت سیاسی، در اختیار نهادن فضاها و امکانات اولیه و مشوق های حمایت گرانه، بررسی تخلفات رقابتی و سیاسی، و جز آنها که همگی نشان از فراهم بودن زیرساختهای تشکیلاتی و سازمانی رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی دارد. (ر.ک: قانون و آئین نامه های...، 1398/10/12) در این مهندسی از قدرت، حق ورود به فعالیت های سیاسی از قوای نظامی و انتظامی و دستگاههای نظارتی و اطلاعاتی سلب شده تا به نحو

مؤثر و نه جانبدارانه در جهت تحقق این مسئله اقدام کنند(ن.ک: فولادفر، 1392، ص: 223). از دیگر وظایف نهادهای مذکور این است که از به وجود آمدن نابرابری‌های غیر متعارف ناشی از زیر ساختهای رقابتی جلوگیری به عمل آورند و به تنظیم برابری فرصتها و حذف فاصله غیر متعارف رقبا نسبت به هم، اقدام نمایند. چنانچه عدم استفاده از قدرت سیاسی و موقعیت‌های حکومتی و منع استفاده از امکانات دولتی برای جریانات و گروه‌های رقیب، بازگشتش به ایجاد فرصت برابر و تمهید و تسهیل در رقابت سیاسی می‌باشد. تا در سایه بسط عدالت اجتماعی، هم دموکراسی حقیقی برپا گردد و هم با فراهم سازی فرصتهای برابر، رشد ملت و کشور رقم بخورد. البته برابری در رقابت سیاسی هم شامل برابری در بهره‌مندی از بستری رقابت و هم دسترسی به کانون‌های قدرت و نقد کردن آنها می‌باشد. بر این اساس در حکومت اسلامی، ضمن پذیرش همه فعالیت‌ها و آزادی‌های مشروع؛ قانون، محور و مدار همه چیز است و اختصاص به نخبگان و یا طبقه خاصی ندارد و مردم به طور برابر می‌توانند دخالت کنند و خواسته و صدای دور افتاده‌ترین مردم نیز قابل محاسبه است (امام خمینی(ره)، 1389، ج 5، ص: 482؛ ج 6، صص: 56، 62 و 69)

3- چارچوبهای عملی رقابت سیاسی

در رقابت سیاسی، آنچه که به رقیب برتر اختصاص می‌یابد، همان جواز تصدی بر همه و یا بخشی از قدرت سیاسی است. لذا در جائیکه رقابت سیاسی صورتی از رقابت دارد و انحصار قدرت سیاسی شکسته نمی‌گردد، و گروه‌ها ورود و خروجی در قدرت سیاسی نداشته باشند، رقابت محقق نشده و به تعبیر امام خمینی(ره)، بیشتر به نمایش رقابت شبیه است. (ر.ک: امام خمینی(ره)، 1389، ج 3، ص: 434) در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) همانگونه که صرف به دست آوردن قدرت، مطلوبیت ندارد، اساساً ماهیت رقابت سیاسی، به استناد آیات قرآن (آل عمران/ 114؛ انبیاء/ 90؛ مومنون/ 56 و 61؛ بقره/ 148؛ مائده/ 48)، مبتنی بر استباق در خیرات و پیش قدم شدن جهت انجام تکلیف و خدمت به مردم می‌باشد. بر این مبنا، مقوله «رقابت سیاسی» از «بیکار و جدال سیاسی-رقابت بر قدرت» و «نمایش رقابت سیاسی-رقابت برای قدرت»، متمایز می‌گردد و تنها در بسترهای مقبول و مشروع مورد پذیرش می‌باشد. لذا در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) رقابت‌های فربیکارانه، طغیان‌گرانه و ساختار شکنانه، جایگاهی ندارد و فساد برانگیز است. ایشان رقابت‌های جانکاه بر سر قدرت و برتری طلبی را به شدت مردود نموده و رقابت‌کنندگان را به گرگان درنده تشبیه کرده است(امام

خمینی(ره)، 1389، ج18، ص:511) و ریشه اینگونه رقابتها را دنیا طلبی افراد معرفی می کنند. (امام خمینی(ره)، 1377، ص:254). با این احتساب در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، رقابت سیاسی در عمل دارای چارچوب ها و قواعد مشروع زیر می باشد:

1-3- پذیرش مرجعیت قانون و داوری مردم

کارآمدی رقابت سیاسی، هنگامی است که رقبا به نتیجه آن تن بدهند. این امر مستلزم الزامات از پیش تعیین شده ای است که با پذیرفتن آنها، عملاً چارچوب های رقابتی، مسیر نتیجه بخشی را توأم با امنیت و آرامش فرا روی رقبا قرار می دهد. در این صورت فصل الخطاب بودن مرجعیت واحد، هم ضامن تحقق رقابت سالم و شایسته است و هم تضمین کننده نتیجه واقعی مترتب بر رقابت، بدون هر گونه تضییع حقی از رقبا می باشد. (ر.ک: خواجه سروی، 1382، ص:113). از این رو پذیرش مرجعیت قانون و پایبندی و التزام عملی به آن، از آغاز رقابت تا انجام آن امری ضروری است. حتی اگر این اصل، منجر به نتیجه ای بر خلاف انتظار گردد، غیر قابل خدشه است و فصل الخطاب برای همه امور است. (امام خمینی(ره)، 1389، ج14، ص:376-381؛ ج21، ص:204). در جمهوری اسلامی، تمکین به قانون مساوی است با پذیرش خواست مردم و شریعت نورانی اسلام و هر رفتاری خارج از این چارچوب باشد، فاقد اعتبار است. تن دادن به قوانین اسلام و پذیرش داوری مردم از چنان جایگاه عمیقی در نگاه امام خمینی(ره) برخوردار است، که پانزده سال مبارزات انقلابی خویش را عمل به نظر و خواست مردم و وظیفه الهی خویش معرفی می کند و یا اینکه در پاسخ به وساطت پاپ در موضوع تسخیر لانه جاسوسی، داوری اسلام و مردم را گوشزد می کنند و تخطی از آن را جایز نمی شمارند. (ر.ک: امام خمینی(ره)، 1389، ج5، ص:299؛ ج11، ص:35). با این تبیین، پذیرش مرجعیت قانون و داوری مردم، اولین قاعده و اصل عملی رقابت سیاسی از منظر امام خمینی(ره) شناخته می گردد که هم فصل الخطاب رقابت است و هم به رقابت اعتبار می بخشد.

2-3- خشونت گریزی

یکی از اهداف رقابت سیاسی، تقویت وفاق و انسجام ملی است که اگر خشونت ورزانه باشد، نه تنها این هدف پر اهمیت محقق نمی گردد، بلکه موجب بروز شکاف و انشقاق سیاسی و اجتماعی می گردد. پرهیز از خشونت ورزی در گفتار و کردار و با نرمی برخورد کردن، دارای اساس و بنیانی قرآنی (آل عمران/159) است که خداوند متعال انبیاء علیهم السلام را مؤدب به آن فرموده است. امام خمینی(ره) بر همین منهج و از آنجا که هدف رقابت سیاسی در مکاتب توحیدی و اسلامی را صرفاً

به دست آوردن قدرت و فتح بلاد نمی‌داند، معتقد است که رفتار رقبا باید بر منطق اسلام از باب هم افزائی و تعالی بخشی قدرت سیاسی جامعه صورت گیرد و خشونت ورزی، جنجال، هیاهو، شدت در رفتار، جنگ و جدال در رقابت سیاسی جایگاهی ندارد. (ر.ک: امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۹، ص: ۲۹۰؛ ج ۱۰، ص: ۸۱). بر این پایه ایشان با نفی خشونت، میزان و ملاک رقابت سیاسی را به رفتار رحیمانه مؤمنان در قبال هم، ارجاع می‌دهند و معتقدند حتی اگر رقیب هم اقدام به خشونت کرد نباید دست به خشونت زد، بلکه می‌بایست با طمأنینه و متانت و بر اساس موازین اسلامی عمل بشود و از رفتار خشونت آمیز پرهیز کند چنان چه به مناسبتی نمایندگان استیضاح کننده را به ملایمت، تفاهم، اخلاق حسنه، رأفت و پرهیز از شدت و خشونت، دعوت می‌نماید. (ر.ک: امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص: ۲۰۴-۲۰۳). امام خمینی (ره) راه بروز خشونت و به جان یکدیگر افتادن را در غفلت از معنویت و توجه به عالم ماده می‌داند و اقداماتی را که به خشونت می‌انجامند، به جهت فقدان و تهی بودن آنها از معنویت و تکیه زدن بر مادیات می‌شمارند. (ر.ک: امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۵، ص: ۵۴۳).

3-3- ارجحیت بر رقیب و استمرار آن تا پایان رقابت

در رقابت سیاسی، رقبا با طرح ایده‌ها و معرفی توانمندی‌های خود، در صدد پیشی گرفتن از هم می‌باشند. تبعاً برای این کار باید رقبا هر کدام قبل از ورود به میدان رقابت، خود را برتر از دیگری در اداره اموری که موضوعشان قدرت سیاسی است، بدانند، تا ضمن معرفی توانائی برتر خود به نقد و معرفی کاستی رقیب خود بپردازد. با این بیان، التزام عملی رقبا به ارجحیت و شایسته تر بودن خود از پیش مفروض است و باید آن را در طول زمان رقابت به همراه داشته باشند. مقتضای این اصل آن است که رقبا ورود و یا ترک عرصه رقابت سیاسی را بر محور شایستگی برتر خود از رقبا قرار دهند و آن را تا پایان رقابت و هنگام تصدی قدرت حفظ نمایند. در صورتی که قبل از رقابت و یا در اثناء آن به هر دلیلی برای رقبا آشکار شد که رقیب از خودش برتری دارد، باید اصلحیت و ارجحیت رقیب را بپذیرد و دست از رقابت بردارند. چرا که در غیر این صورت، علاوه بر اینکه به لحاظ شرعی گناهکار شناخته شده و نزد پروردگار تنبیه و مجازات می‌شوند؛ موجبات عدم ارتقاء و سبب تنزل و ناکارآمدی قدرت سیاسی را فراهم نموده است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص: ۲۳۶؛ ج ۱۹، ص: ۱۵۸).

3-4- حفظ کرامت انسانی

شان رقابت، إثبات برتری خویش و نشان دادن نقصان رقیب در تدبیر امور سیاست است. روشمندی در نقد رقیب و بیان کاستی های آنها، از دیدگاه امام خمینی (ره) نباید موجب هتک حرمت باشد. چرا که از بزرگترین گناهان کبیره و تعدی از حدود الهی است و گاهی موجب تعزیر و تقاص نیز می گردد. (امام خمینی (ره)، 1378 الف، ص: 28) در این نگاه، بیان نقص ها و کاستی ها توأم با حفظ حرمت و کرامت افراد، اشخاص و گروه ها در بیان و رفتار صورت می گیرد. امام خمینی (ره) با رویکرد شرعی و روانشناختی به مسأله، گوشزد می کنند که رقابت خود به خود ایجاد مرزبندی و شکاف می کند که برای انسجام سیاسی جامعه خطر آفرین است و چه بسا به تقابل و اضمحلال قدرت سیاسی بینجامد. از این رو افراد باید دقت در عمل داشته باشند تا کسی مظلوم واقع نشود. امام خمینی (ره)، 1389، ج 19، ص: 154). البته از منظر امام ریشه این کار به محدود بودن قدرت دنیوی و بروز حسادت در تصرف آن بر می گردد. زیرا اگر قدرت سیاسی نامحدود بود و همه از آن برخوردار می شدند دیگر جایی برای هتک حرمت صاحبان قدرت باقی نمی ماند. (امام خمینی (ره)، 1378 الف، ص: 30؛ 1389، ج 13، ص: 199-203). از نظر امام خمینی (ره) چون اساس رقابت سیاسی استباق در خیرات است، لذا مقدمات آن نیز باید مبتنی بر خیر باشد و حفظ کرامت انسانی از بالاترین خیرات است و باید محفوظ بماند. (ر.ک: سبحانی، 1381، ج 1، ص: 246؛ فاضل، 1414، ج 1، ص: 293) با این تبیین از رقابت سیاسی، هر امری که موجب هتک حیثیت، کرامت و تنزل دادن افراد باشد، با ماهیت رقابت سیاسی مورد نظر امام خمینی (ره) بینونت و تباین کلی دارد.

5-3- تقید به حدود شرعی و اخلاق اسلامی

نظام سیاسی مورد نظر امام خمینی (ره)، نظامی دینی و اخلاقی و دائر مدار ارزشهای اخلاقی می باشد. چنانچه والاترین شخصیت اسلامی بر خلق عظیم (قلم/4) آراسته و غایت رسالتش، نیل به تکامل اخلاقی می باشد (علامه مجلسی، 1403، ج 16، ص: 210؛ امام خمینی (ره)، 1380، ص: 511). التزام و اهتمام رقبای سیاسی به حدود شرعی و اخلاقی، خط قرمز رقابت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) می باشد. به این معنا که اگر رقابت سیاسی بر محور حدود شرعی و اخلاقی جریان پیدا نکند، هم افراد رقابت کننده و هم اصل رقابت با فقدان صلاحیت مواجهه و به طاغوت نزدیک می شوند و چیزی جز خسران در پی ندارد. از این رو رقابت هنگامی مطلوب است که بر مدار احکام شرعی و فضیلت های اخلاقی دائر گردد و از منکرات و محرمات شرعی و منهیات و رذیلت های اخلاقی به دور باشد. حدود شرعی و اخلاقی مثل: «داشتن صلاحیت و شایستگی»،

«قصد قربت و تقرب به خدا»، «توحید گرائی و کفر ستیزی»، «صداقت در گفتار و کردار»، «پرهیز از إفتراء و تهمت»، «نقد عالمانه و به دور از حب و بغض»، «پرهیز از انتقام»، «حسن ظن به رقیب»، «پرهیز از افراط و تفریط»، «پرهیز از إصراف و تبذیر»، «پرهیز از نیرنگ و فریب»، «حق پذیری»، «داشتن حلم، صبر و خویشتن داری»، «پرهیز از خود پسندی و إستکبار»، «پرهیز از حسادت»، «پرهیز از قدرت طلبی»، «إستباق در خیرات»، «ظلم ستیزی»، «رأفت و مدارا»، «پرهیز از مرء و جدال» و جز اینها، در رقابت سیاسی اسلامی مد نظر است. کسانی که می خواهند در این چارچوب، متصدی قدرت بشوند، باید نسبت به دیگران تقیدات و پایبندی های شان به حدود الهی بیشتر باشد، زیرا در صورت عدم تقیدشان به این حدود، خود و جامعه را به فساد می کشانند. (امام خمینی (ره)، 1389، ج 4، ص: 397؛ ج 17، ص: 122)

3-6- شفافیت در رفتار

یکی از الزامات رقابت سیاسی در دیدگاه امام خمینی (ره)، علاوه بر سنجیدگی و دقت در رفتار، «شفافیت در رقابت» و «پرهیز از نامشخص بودن رفتار رقابتی» است. چرا که خوانا بودن رقابت و در دسترس بودن آن برای رقیب، علاوه بر این که فعلی نیکو است (تقوی، 1376، ج 3، ص: 295) اصل رقابت را نیز متریقانه و تعالی خواهانه می کند. در مقابل با وجود پیچیدگی، إبهام و عدم شفافیت در رقابت، اشتباه شناختی و رفتاری رخ می دهد و در پی آن تصمیمات ناهمگون و تدبیرهای ناقص از طرف رقیب ظهور و بروز می کند و لازمه و حاصل جمع آن، ایجاد بدبینی، در معرض إتهام قرار گرفتن، إنشقاق و تفرقه سیاسی و سرانجام تضعیف قدرت سیاسی می باشد؛ که همه آنها از منکرات و منهیات عقلی و شرعی است. إبهام، اجمال و رمزآلودگی رفتار رقابتی، علاوه بر پی آمدهای منفی فوق الذکر، هم بر تکلف، سختی و پرهزینه کردن رقابت می افزاید و هم به لحاظ روانی، انسان را به سوی رمز گشائی از امور رقیب سوق می دهد و بر می انگیزاند و به تدبیر های متقابل وا می دارد. مضافاً اینکه رقابت سیاسی از جایگاه خاص خود به آوردگاه و معرکه ی، نبرد تدبیرها، حيله ها و نیرنگ ها تنزل و غیر قابل کنترل و ارزیابی برای نهادهای ناظر می گرداند و از طرفی هم اطمینان خاطر ملت نسبت به رقیب کاهش می یابد و یا از بین می برد و سرانجام این بدر رفتاری می تواند منجر به إسقاط صلاحیت و شایستگی رقیب گردد. چرا که با تقوای الهی سازگاری ندارد. ارزشمندی این رویه چنان اهمیتی دارد که إنعکاس آن در رفتار یکی از کارگزاران امنیتی ساواک، از دید امام خمینی (ره) مغفول نمانده و در مقام إحتجاج با منافقان، آن را یادآوری می کنند (امام خمینی (ره)،

1389، ج 11، ص: 235). این بیان حکایت از آن دارد که هر چقدر رفتار واضح، شفاف و به دور از ابهام باشد، رقبا می توانند تصمیم های شایسته تری را نسبت به هم اتخاذ نمایند و در مقابل هر چقدر بر ابهام و إجمال کار افزوده شود إشتباه و خطاکاری افزون تر می گردد. چنانچه امام خامنه ای به عنوان شاگرد و جانشین امام خمینی(ره)، شفافیت و صراحت عملی را در همه امور، بجز مواردی که در معرض سوء استفاده مغرضین و دشمنان قرار گیرد، عملی بسیار مهم و مطلوب دانسته اند و آن را به آموزه های اسلامی برگشت داده اند. (امام خامنه ای، 1397/07/23). مقوله شفافیت و صراحت در عمل، قرابتی نزدیک با مقوله های، همچون شجاعت، خلوص، صداقت، فتوت و امثال این فضائل دارد و در مقابل، عدم شفافیت و صراحت در عمل، همنشینی با مقولاتی مثل ترس، فتنه، فریب، ریاکاری، ناجوانمردی، ترور و مانند آنها دارد. بنابر همین بنیان است که امام خمینی(ره)، رئیس جمهور وقت آمریکا را مورد سرزنش قرار می دهند (امام خمینی(ره)، 1389، ج 12، ص: 266). شفافیت در عمل نه تنها اصلی اسلامی است بلکه عکس آن، چون انسان را در مرأی و مظان إتهام قرار می دهد، در منابع اسلامی مورد نهي قرار گرفته است و کثیری از روایات در همین باب نقل شده است. (ر.ک: امام صادق علیه السلام، 1377، ص: 251؛ آقا جمال خوانساری، 1366، ج 6، ص: 141؛ ابن شعبه، 1363، ص: 90؛ علامه مجلسی، 1403، ج 1، ص: 223) و صاحب وسائل الشیعه نیز بایی را به مذمت این نوع رفتار إختصاص داده است (شیخ حر عاملی، 1409، ج 12، ص: 36).

7-3- تمرکز در مسائل رقابت سیاسی

موضوع رقابت سیاسی، قدرت سیاسی است و رقبا موظفند مسائل مرتبط با این موضوع را مد نظر خویش قرار دهند و از دخیل کردن موضوعات غیر مرتبط با آن احتراز نمایند. زیرا در غیر این صورت رقابت سیاسی به حوزه های دیگر سرایت کرده و آنها را نیز معرکه ی تاخت و تاز رقابتی قرار می دهد. بنابر اندیشه امام خمینی(ره)، ورود در مسائل اجتماعی وظیفه گرا و تکلیف محور است و میزان، فرمان الهی است و نباید پائینتر و یا زیادتر عمل گردد و آنچه را که می بایست مکلف و موظف انجام دهد، همان است که بدان تکلیف گردیده است. پس اگر إقدام به بیشتر و یا کمتر از آن نماید، نه تنها به وظیفه و تکلیف خویش عمل ننموده است، بلکه خاطی نیز محسوب میگردد و در صورت تضییع حق و یا حقوقی از نهادها و یا افراد، ضامن است. از آنجا که حکومت اسلامی برای اقامه عدل برپا می شود، زمامدار و والیانش نیز باید عدالتگرا باشند و به متمرکز کردن مسائل در

جایگاه خودشان و عدم تعدی و تجاوز از حد و حدود آن همت کنند. (امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱، ج ۲، ص: ۶۱۸؛ امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶، ص ۶۷) و در تذکری به اصحاب مطبوعات، آنها را به تمرکز در مسئله خود فرا می خوانند. (ر.ک: امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص: ۴۷۳).

۸-۳- اهتمام و التزام به منافع ملی و مصالح جامعه اسلامی

رقبا عملاً در برخی مواقع، با تداخل مسائل مواجهه می گردند که هر کدام از آن مسائل دارای آثار و پیامدهای خود می باشد و آنچه که امکان تحقق دارد، تنها یکی از آن مسائل است که رقبا در عمل با اخذ یکی از آنها، گزینه های دیگر را طرد می کنند. در این که کدام موضوع اولویت می یابد و باید اخذ گردد؟ امام خمینی (ره) داور و قاضی را عقل معرفی میکند. (مرتضوی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص: ۳۱۱) و می گویند بنابر رأی عقل آنچه که دارای اهمیت بیشتری می باشد و یا از فساد کمتری برخوردار است مقدم می گردد. چرا که در این صورت است که به راه ثواب رفته است و عذرش پذیرفته می گردد و در عکس آن، بهره ای از ثواب نصیصش نمی شود و معذور نیست و معاقب می شود. (مرتضوی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص: ۳۵۵؛ امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱، ص: ۳۹۷) به عنوان مثال از منظر امام خمینی (ره) حفظ «اسلام»، «نظام اسلامی» و «مصالح عامه» از بالاترین واجبات اند و در صورت تقابل با امور دیگر، آنچه مقدم می گردد اینها هستند. با این تبیین، در رقابت سیاسی منافع فرد، گروه و حزب، تاب و توان مقابله با منافع اسلام، منافع نظام اسلامی و منافع عامه جامعه را ندارد و در محذور تقابل، طرف دیگر ترجیح می یابد و لو اینکه دچار ورشکستگی سیاسی و متحمل ضرر و زیان فردی، حزبی و گروهی شوند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص: ۴۶۷؛ ج ۱۹، ص: ۴۸۷؛ ج ۲۱، ص: ۴۰۴). اهمیت مسئله آنجا است که انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام و اصحاب آنان، کوشش و فداکاری جانفرسای در این زمینه داشته اند و هیچ چیز آنان را از انجام این فریضه بزرگ باز نداشته است و جان و مال و فرزندان خود را نیز در این مسیر فدا کرده اند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷، ص: ۱۸-۱۹).

۹-۳- اعتدال در راهبرد رقابت سیاسی

فرایند رقابت سیاسی شامل مجموعه برنامه ها، تصمیم گیری ها و اقدامات، جهت دست یابی به قدرت سیاسی و یا تأثیر گذاری بر آن است. بهره گیری فزاینده از منابع مالی، بسترهای تبلیغاتی، موقعیت های سیاسی - اجتماعی، امکانات و زیرساختهای عملیاتی، همراهی متنفذین قدرت و ثروت، و کانونهای تأثیرگذار اجتماعی، موجب می گردد تا در برخی مواقع، رقابت از اعتدال خارج

گردد و به سمت إختناق، تحمیل، إستضعاف، هضم کردن و به نادیدن طرف و یا طرفهای مقابل متمایل شود. در این صورت لازم است رقبا با إقدام به خود کنترلی، إعتدال در فرایندهای راهبردی رقابت سیاسی را بیافرینند و نابرابری ها را به حد اعتدال برسانند، به گونه ای که رقبا، طیفها، احزاب و گروه های کم برخوردار، در کرّ و فرّ و جولان دهی و ترک تازیِ رقبايِ برخوردار، توان رقابتی خویش را از دست ندهند. زیرا در جامعه اسلامی که عدالت محور است، إختناق، إستضعاف، فشار و مضیقه نباید برای کسی رخ دهد و می بایست برخورداران إجازه بدهند دیگران نیز دیده شوند و از داشته ها، جایگاه و موقعیت های خود، به گونه ای بهره گیری نکنند که رقبایشان مغلوب جایگاه و موقعیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها بگردند. چنانکه در وصایای امیرالمؤمنین امام علی، به امام حسن مجتبی علیهما السلام آمده است که: «در معاشرتان با خلق، هرکس، خود را جای طرف دیگر قرار داده و آنطوری که دلش می خواهد با او رفتار شود، با دیگری رفتار کند» (شریف الرضی، 1414، ص: 397). در معارف اسلامی از این چنین خفقانی که به انسان إجازه عمل ندهد، به «إستضعاف» تعبیر گردیده است. إختناق و استضعاف حتی از طرق معروف و قانونی نیز مردود و نامشروع است و هر چیزی که عدالت اجتماعی و برابری جامعه را برهم بزند باید با آن به مبارزه برخاست (امام خمینی(ره)، 1389، ج 5، ص: 388؛ ج 6، صص: 185 و 464؛ ج 10، ص: 122؛ ج 12، ص: 307؛ ج 20، ص: 106).

10-3- ارائه طرح و برنامه

از جمله اهداف رقابت سیاسی پیدا کردن و پیشنهاد راه حل های بهتر برای توسعه هدفهای اساسی جامعه است. از این جهت در اندیشه امام خمینی(ره) یکی از شرائط اساسی رقابت، مجهز بودن رقبا به برنامه ای راهبردی است که با آگاهی کامل طرح و تدوین گردیده باشد. اساساً اصل رقابت سیاسی در اسلام، رقابت برنامه ها است نه افراد، زیرا کسانی که فاقد برنامه هستند در واقع ورودشان مصداق تیر در تاریکی انداختن می باشد. سیره عملی امام خمینی(ره) حاکی از این است که یکی از مؤلفه های مبارزاتی ایشان در قبل از انقلاب و پس از آن، طرح و تبیین برنامه های خویش و به چالش کشاندن برنامه های طرف های مقابل و رقیب بوده است. (ر.ک: امام خمینی(ره)، 1389، ج 1، ص: 118؛ ج 2، ص: 488). امام خمینی(ره) در سیره مبارزاتی خود، پس از ستمکارانه خواندن برنامه های دولت های رژیم سابق، برنامه خویش را مترقیانه و متکی به اسلام معرفی می کنند و با انجام مقایسه ای، برنامه مورد نظر خود در خصوص مشارکت مردم در حکومت را کاملتر از دموکراسی

های غربی برمی شمارد (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹، ج ۴ ص: ۳۱۵) بنا بر اعتقاد امام خمینی(ره) جنبش اسلامی ایران، به رهبری علمای ایران، آغاز و بدایتش با مخالفت با طرحها و برنامه های شاه شروع شده است. ایشان اساس مبارزه خود را، مبارزه با اشخاص و افراد بر سر اختلافات شخصی نمی دانند، بلکه نهضت آفرینی خویش را در راستای برچیدن برنامه های خائنانه، ظالمانه، ستمگرانه، منفعت طلبانه، استثمارگرانه و وطن فروشانه بر می شمارند. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹، ج ۴ صص: ۱۳۷ و ۴۳۲ و ۴۵۶). همانگونه که ایشان علت مخالفت کشورهای جهان با انقلاب اسلامی، مخصوصاً آمریکا و شوروی را جدال و پیکار برنامه ها معرفی میکنند (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص: ۵۰۷).

نتیجه:

از آنجا که قدرت سیاسی در دیدگاه امام خمینی(ره) مقوله ای جدا از اراده و خواست مردم نمی باشد و ساخت آن با مشارکت فعالانه ایشان ممکن می گردد، نه تنها نخبگان سیاسی، بلکه همه آحاد جامعه بر اساس حق الهی خویش، می توانند نوع، ماهیت، ساختار قدرت سیاسی را تعیین و آن را مدیریت و کنترل کنند. از این رو رقابت سیاسی دارای ماهیتی آلی و وسیله ای برای انجام تکلیف و وظیفه می باشد و تمام معیارهای معتبر در یک رفتار اسلامی در آن لحاظ می گردد. از طرفی چون موضوع رقابت سیاسی قدرت سیاسی است، امام خمینی(ره) با ارجاع قدرت به دو حوزه حقوق اساسی و تشکیلات سازمانی، هم به لحاظ حقوقی، هم به جهت اجرا و کنترل، زیرساختهای لازمه را برای رقابت سیاسی تدارک و تضمین می کنند. این امر پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ساختهای حقوقی و ساختارهای تشکیلاتی جمهوری اسلامی پی گیری گردید. نهایتاً اینکه امام خمینی(ره) متناسب با ماهیت قدرت و سیاست مورد نظر خویش، رقابت سیاسی را در چارچوبهای خاصی پذیرفته و معیارهایی را برای آن در نظر گرفته اند. این شرایط که در قالب ده اصل عملی استقراء شده است عبارتند از «التزام عملی به مرجعیت قانون و داوری مردم»، «التزام عملی به مهر ورزی و پرهیز از بکارگیری خشونت»، «استمرار ارجحیت بر رقیب، تا پایان رقابت»، «تحفظ در کرامت انسانی»، «تقید به حدود شرعی و اخلاق اسلامی»، «شفافیت در عمل»، «تمرکز در مسائل رقابت سیاسی»، «تقدم مصالح عامه و نوعی جامعه بر مصالح فردی و گروهی»، «اعتدال در راهبرد رقابت سیاسی»، «ارائه طرح و برنامه». در این ترسیم هندسی از اضلاع رقابت سیاسی، آحاد جامعه به مقتضای شایستگی خود در جهت ارتقاء کارآمدی قدرت سیاسی، اقدام به رقابت می نمایند.

منابع:

قرآن

- امام صادق، جعفر بن محمد (علیهما السلام)، (1377). مصباح الشریعه، شرح: عبد الرزاق گیلانی، تهران: پیام حق.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (1404). شرح نهج البلاغه، تصحیح، محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (1363). تحف العقول، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- امام خامنه ای، سید علی حسینی، درس خارج، <http://farsi.khamenei.ir>. 1397/07/23.
- امام خمینی (ره)، سید روح الله موسوی (1376). مصباح الهدایة الی الخلافة و الولایة، مقدمه و شرح، سید جلال الدین آشتیانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره)، سید روح الله موسوی (1377). شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره)، سید روح الله موسوی (1378). جهاد اکبر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره)، سید روح الله موسوی (1378). ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره)، سید روح الله موسوی (1387). وصیت نامه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره)، سید روح الله موسوی (1389). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره)، سید روح الله موسوی (1421). کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره)، سید روح الله موسوی، (1380). شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- آقا جمال خوانساری، محمد (1366). شرح غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: جلال الدین حسینی، تهران، دانشگاه تهران.
- بشیری، حسین (1384) آموزش دانش سیاسی، تهران، نشر نگاه معاصر.
- پای، لوسین دیلیو و دیگران (1380). بحران ها و توالی ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه

- سروی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- تقوی اشتهاردی، حسین (۱۳۷۶). تنقیح الاصول، تقریرات درس امام خمینی (ره)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، قم، نشر اسراء .
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). رقابت و ثبات سیاسی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی .
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۴). چهارچوبی برای رقابت و ثبات سیاسی، تهران: مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- زرقانی، سید هادی (۱۴۰۰). بررسی و تبیین راهبردهای دفاعی حضرت امام خمینی (ره) در دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، ۳۳-۶۸.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۱). تهذیب الاصول، تقریرات درس امام خمینی (ره)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- شرح، عبد الرزاق گیلانی (۱۳۷۷). مصباح الشریعه، تهران، پیام حق.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه، محقق و مصحح: صبحی الصالح، قم، دارالهجرة .
- شهید مطهری، مرتضی (بی تا). پیرامون انقلاب اسلامی، قم، انتشارات صدرا.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- طبری امامی، محمد بن جریر (۱۴۱۴). المسترشد فی الإمامة، قم، انتشارات کوشانپور، چاپ اول.
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۵). راهنمای مطالعات انقلاب اسلامی در دانشگاه های آمریکای شمالی و اروپای غربی، تهران، رهیافت خط اول.
- علامه مجلسی، ملامحمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی .
- عنوانی، سید حامد؛ فخار، وحیده؛ سید موسوی، سید حسین و حسینی شاهرودی، سید مرتضی (۱۴۰۰). مبانی گرایشی و نقش آن در سبک زندگی سیاسی امام خمینی (ره) (ره)، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۰(۱)، ۹۶-۱۱۵.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۵). مناہج الوصول الی علم الاصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- فولادفر، مسعود؛ صابری، اسماء (۱۳۹۲). چارچوب های قانونی رقابت سیاسی از منظر امام خمینی (ره)،

تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قاسمی، محمد تقی (1388). قانون اساسی جمهوری اسلامی، قم، انتشارات لامک، چاپ اول.

قانون و آئین نامه های وزارت کشور و معاونت سیاسی وزرات کشور، سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، (<https://rc.majlis.ir/fa> 12/10/1398).

قرآن

محدث نوری، حسین (1408). مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

مرتضوی لنگرودی، محمدحسن (1376). جواهرالاصول، تقریرات درس امام خمینی (ره)، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره).

مردی، محمدرضا (1399). جمهوری اسلامی در اندیشه معماران انقلاب اسلامی، پژوهش های انقلاب اسلامی، 19 (1)، 220-239.

مصباح یزدی، محمد تقی (1379). نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمد تقی (1380). نظریه سیاسی اسلام، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.

مظاهری، حسین (1378). ولایت فقیه و حکومت دینی، اصفهان، انتشارات بصائر.

موسوی خلیلی، سید مهدی (1367). حاکمیت در اسلام، تهران، انتشارات آفاق.